

ارزیابی تحولات حقوق خانواده براساس اصل دهم قانون اساسی

مهدیه شیراوند^۱

چکیده

در هر کشوری به هدف اصلاح و ارتقاء در قوانین، تحولاتی در قوانین تدوین یافته صورت می گیرد. ایران نیز از جمله کشورهایی است که از این امر مستثنی نبوده و بعد از انقلاب با تحولاتی در قوانین تدوین یافته در حیطه های مختلف از جمله خانواده مواجه بوده است. اما این هدف در قوانین ناظر به خانواده زمانی حاصل می شود که به متفاوت بودن عرصه خانواده توجه شود. از این جهت که استحکام خانواده منوط به حفظ رابطه عاطفی و نبودن روحیه فردگرایی میان اعضاء است. لذا عدم توجه قانون گذار به وجود رابطه عاطفی و توجه یک جانبه به فرد در وضع قوانین منجر به تزلزل خانواده و تأثیر آن بر جامعه خواهد شد. علاوه بر توجه به استحکام خانواده در وضع قوانین، تسهیل تشکیل خانواده نیز باید مدنظر قرار گیرد. چراکه تعریف حقوق زیاد برای فرد و در مقابل تعریف تکلیف برای فرد دیگر، منجر به دوری از تشکیل خانواده می شود. بررسی سیاست یا هدف اصلاح مواد با توجه به نظرات کارشناسی نمایندگان مجلس و ارزیابی سیاست این تحولات بر اساس مؤلفه های اصل دهم قانون اساسی از جمله راه هایی است که می تواند در بررسی تحولات قوانین خانواده مورد استفاده قرار گیرد. این مؤلفه ها عبارتند از؛ تسهیل تشکیل خانواده، استواری روابط بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی، پاسداری از قداست خانواده و استحکام خانواده.

کلید واژه:

سیاست های تقنینی، خانواده، قانون حمایت از خانواده، تحولات قوانین خانواده

*فارغ التحصیل سطح ۲ مدرسه حضرت فاطمه الزهرا سلام الله علیها

مقدمه

امروزه در کشورهای مختلف، نهادهای حکومتی، وضع قوانین را وسیله‌ای برای دستیابی به سیاست‌های مدنظر خود قرار می‌دهند. تأثیر این بحث نسبت به خانواده در حدی است که می‌تواند منجر به تغییر در ساختار و کارکرد خانواده شود. به عنوان مثال در آمریکا، با محوریت قرار گرفتن مسائل اقتصادی، وضع قوانین، بواسطه در نظر گرفتن امتیازات بیشتر برای مجردها منجر به کاهش ازدواج و رواج ازدواج توافقی شده است. به این صورت که تا قبل از سال ۱۹۶۱ برای زوج‌های متأهل این امکان وجود داشت که هر دو نفر درخواست کاهش مالیات کنند در حالیکه فرد مجرد فقط یک درخواست را می‌توانست داشته باشد. اما در سال ۱۹۶۹ با در نظر گرفتن حقوق بیشتر برای مجردها باعث کاهش روی آوردن افراد به سمت ازدواج شد. (سیناکلهر، ۱۳۹۲، صفحه ۶۸-۶۷)

در هر کشور با توجه به سیاست در پیش گرفته شده نسبت به خانواده، وضع قوانین، متفاوت می‌شود. چنانچه کشوری در پی دستیابی به اهداف خود، فروپاشی خانواده، مدنظر و کمک کننده‌اش باشد وضع قوانین آن کشور بگونه‌ای خواهد بود که تشویق کننده افراد، به سمت مجرد و یا شکل‌های دیگر خانواده باشد. اما در صورتیکه وجود و استحکام خانواده کمک کننده در رسیدن به هدف وی باشد وضع قوانین بگونه‌ای خواهد بود که منجر به تسهیل تشکیل خانواده، استحکام خانواده و کاهش طلاق باشد.

در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به اهمیتی که برای حفظ بنیان خانواده قائل هستند روال وضع و اصلاح قوانین باید بگونه‌ای باشد که منجر به تسهیل تشکیل خانواده، استحکام خانواده، کاهش طلاق و بطور کل، مطابق با شاخص تزلزل و استحکام خانواده باشد. از جمله این شاخص‌ها، ازدواج، طلاق و بالا رفتن سن ازدواج است. بر اساس آمار موجود، میانگین طلاق نسبت به ازدواج بعد از انقلاب، افزایش، و میزان ازدواج نسبت به طلاق با کاهش مواجهه بوده است. همچنین از جمله شاخص‌های دیگر که بالا رفتن سن ازدواج است، نیز طبق آمار موجود در کشور، رو به افزایش است. بنابراین طبق آمار موجود، کشور با شاخص‌های تزلزل خانواده نسبت به قبل از انقلاب مواجه است.

اگرچه بالا رفتن آمار طلاق، کم شدن آمار ازدواج و بالا رفتن سن ازدواج می‌تواند ناشی از عوامل مختلفی همچون، تأثیرات فرهنگی، بوجود آمدن روحیه فردگرایی، عوامل اقتصادی و... باشد. اما در این میان، وضع قوانین، نیز می‌تواند تأثیرگذار باشد. به این صورت که تدوین و تنظیم گزاره‌های حقوقی بدون توجه به بعد عاطفی خانواده، ترجیح مصالح فرد بر کل خانواده، در پیش‌گرفتن سیاست‌هایی همچون، برابری زن و مرد، افزایش حضور اجتماعی زنان، می‌تواند به راحتی منجر به بالا رفتن آمار طلاق و کم شدن آمار ازدواج شوند. لذا در این میان ضرورت دارد که قوانین تدوین یافته یا تحول یافته خانواده مورد بررسی قرار گیرد اما به دلیل گسترده بودن قوانین همچون قانون حمایت از خانواده، قانون مدنی، قانون مجازات اسلامی، قانون حمایت از زنان و کودکان بی سرپرست و بد سرپرست، قانون تسهیل ازدواج جوانان و... موضوع این تحقیق به بررسی برخی تحولات بوجود آمده در قانون مدنی و قانون حمایت از خانواده محدود خواهد شد. علت انتخاب این دو قانون از بین سایر قوانین این است که این دو قانون نسبت به سایر قوانین بطور جامع‌تر و کامل‌تر به مباحث مربوط به خانواده پرداخته‌اند.

مولفه اول: حمایت از نهاد خانواده

چنانکه در اصل دهم بیان شده است خانواده به عنوان واحد بنیادی جامعه اسلامی معرفی شده است. بنیادی بودن نهاد خانواده به معنای ریشه‌ای بودن این نهاد برای جامعه در عرصه‌های مختلف است. اختلال در این نهاد مستلزم خلل در سایر نهادها و عرصه‌ها خواهد بود. لذا با توجه به حساس بودن جایگاه این نهاد، باید حمایت از خانواده مورد توجه جدی قانون اساسی و سایر دستگاه‌های تقنینی قرار گیرد. حمایت از خانواده به دو صورت حقوقی و اخلاقی صورت می‌گیرد. در قانون اساسی حمایت از خانواده به صورت زیر بیان شده است. (ناصرناستی زائی، ۱۳۸۵، شماره ۳، ص ۱۰۶)

الف) رفع موانع ازدواج و تسهیل تشکیل خانواده

عدم تشکیل خانواده در جامعه امروزی به دلیل علل متعددی است. مشکلات اقتصادی ناشی از بیکاری و بالا بودن هزینه‌های زندگی و فرهنگی و اجتماعی همچون، مهریه‌های سنگین، تشریفات زیاد در مراسم عقد و ازدواج، ادامه تحصیل دختران، عدم صلاحیت و آمادگی لازم و... موجب بالا رفتن سن ازدواج شده است (محسن کلهر، تفسیر نور، جلد ۶، چاپ ۱، سال ۱۳۸۸، ص ۱۷۳) از جمله علل دیگر در رابطه با بالا رفتن سن ازدواج، عدم حمایت دولت، ذکر شده است. به این صورت که دولت با توجه به نتایج تحقیقات در رابطه با موانع ازدواج، باید تلاش کند نسبت به موانعی که امکان تلاش در زمینه رفع آن هست، اقدام کند. مشکلات اقتصادی مربوط به بیکاری و نداشتن

مسکن، تلاش در زمینه بوجود آوردن برنامه‌هایی جهت بالا بردن مهارت‌های لازم در زندگی زوجین و فرهنگ سازی نسبت به ازدواج آسان و موارد دیگر از جمله اموری هستند که دولت می‌تواند در ایجاد یا رفع آن اقدام کند.

آنچه که باید به عنوان مانعی جهت تشکیل خانواده مدنظر قرار داد تعریف حقوق زیاد برای یک طرف است. کاهش ازدواج بنابر ترس از تعریف حقوق زیاد برای زوجه و سوء استفاده زوجه از حقوق تعریف شده از جمله تبعاتی است که ممکن است به دنبال تعریف حقوق زیاد بوجود آید. لذا برای جلوگیری از این امر، قانون‌گذار باید به این تبعات توجه نماید و به فکر ارائه راهکاری برای تعریف حقوق و کاهش تبعات ناشی از تعریف آن باشند. درست است که وضع قوانین امری اجتناب ناپذیر است و خواه ناخواه به علت ویژگی ذاتی (خشک و شکننده بودن زبان قانون) قوانین ممکن است در کنار ثمرات، تبعاتی را نیز به دنبال داشته باشد اما از آنجا که خانواده بر خلاف سایر نهادهای دیگر از حساسیت و ویژگی مخصوصی برخوردار است و بسیار مهم‌تر از سایر نهادهای دیگر است افرادی که به وضع قوانین مبادرت می‌کنند لازم است در کنار تعریف قوانین به اموری که کاهش دهنده تبعات ناشی از جعل قوانین است توجه نمایند هرچند که ممکن است در نگاه اول این امر به ذهن خطور کند که وظیفه قانون‌گذار صرفاً جعل قوانین است.

ب) فراهم آوردن مقدمات ازدواج آسان

عدم تشکیل خانواده و ازدواج به موقع می‌تواند باعث بوجود آمدن مشکلاتی در اجتماع گردد. چنانکه در آیه ۳۲ سوره نور، در باب به ازدواج در آوردن جوانان بیان شده است: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» در کتب تفسیری در رابطه با این آیه اینچنین ذکر شده است که، آیامی جمع ایم، یعنی کسی که همسر ندارد خواه مرد باشد یا زن؛ بهترین واسطه‌گری‌ها، واسطه شدن در امر ازدواج است (محسن قرآنی، تفسیر نور، جلد ۶، چاپ اول، ۱۳۸۸، ص ۱۷۳) بنابر نظر برخی محققین از آنجا که از وظایف دولت، حفظ سلامت اخلاقی، اجتماعی و نفسانی جامعه است و ازدواج به موقع باعث جلوگیری از بروز مشکلات و حفظ سلامت جامعه خواهد شد، باید نسبت به این امر اقدام کند و بر اساس این آیه، فراهم آوردن مقدمات ازدواج، وظیفه افراد، جامعه و دولت خواهد بود. (عباس کعبی، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران تحلیل مبانی اصل دهم قانون اساسی، ص ۲۲-۲۱)

از جمله مواد اصلاح شده‌ای که ناظر به این دو بند باید مورد بررسی قرار گیرند ماده ۱۰۴۱ مربوط به سن ازدواج است در این مورد چنانکه به آن پرداخته خواهد شد از جمله عللی که در بالا بردن سن ازدواج از سوی نمایندگان بیان شده است موانعی هستند که با برنامه‌ریزی از سوی نهادهای حکومتی قابل رفع هستند در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد (ناصر ناستی زائی، «موانع ازدواج دختر»، مجله علوم تربیتی و روانشناسی، ۱۳۸۵، شماره ۳، ص ۱۰۶)

۱. سن ازدواج

ازدواج پیوند عمیق میان دو فرد است که با ابعاد مختلف وجود انسان و نیازهای وی در ارتباط است. بنابراین در توجه به این موضوع باید نگاهی جامع وجود داشته باشد. نیاز جنسی، عاطفی و اقتصادی، از جمله نیازهایی هستند که در ابتدا منجر به شکل‌گیری ازدواج می‌شود. به وجود آمدن این موارد در هر فردی با توجه به شرایط فردی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی می‌تواند متفاوت باشد. بنابراین از اینجاست که افراد، در سنین متفاوتی ازدواج می‌کنند.

در بحث ازدواج، علاوه بر این موارد، که عوامل تشکیل دهنده خانواده است باید به عواملی همچون، برخورداری بودن زوجین از مهارت‌هایی که منجر به استحکام یا سست شدن دوام زندگی زناشویی می‌شود نیز توجه کرد. موردی که از جمله دلایل برخی نمایندگان مجلس در اعلام موافقت با بالا رفتن سن ازدواج و قرار دادن قیودی همچون، تشخیص مصلحت دادگاه بود (احمد رضا نائینی، *مشرح مذاکرات قانون مدنی*، صص ۱۱۵۹-۱۱۵۳) آنچه که در رابطه با مهارت‌ها لازم به ذکر است این هست که، امروزه بسیاری از طلاق‌های واقع شده ناشی از ضعف زوجین در بکارگیری مهارت‌ها است. با اینکه بسیاری از این ازدواج‌ها در سنین بالای ۱۵ سال صورت می‌گیرد. چرا که بر اساس آمار کشور میانگین سن ازدواج در اولین ازدواج در فاصله سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ برای مردان از ۲۵/۶ به ۲۶/۲ و برای زنان از ۲۲/۴ به ۲۳/۳ افزایش یافته است. همین آمار برای زنان در سال ۱۳۹۰، ۲۳/۴ و در سال ۱۳۹۵، ۲۳ بوده است.

در سال ۹۰ برای مردان ۲۷/۱ و در سال ۱۳۹۵، ۲۷/۴ بوده است. اما طبق آمار، طی همین سال‌ها، کشور با افزایش طلاق مواجه بوده است. بنابراین آنچه که در این رابطه باید توجه شود این هست که، اگرچه تعدادی از این طلاق‌ها مربوط به افرادی است که در سنین پایین ازدواج کرده‌اند و علت طلاق آنها می‌تواند ناشی از ضعف در بکارگیری مهارت‌ها باشد اما با این حال نمی‌توان انکار کرد که همین مشکل در افرادی که در سنین بالا ازدواج می‌کنند نیز وجود دارد. علاوه بر اینکه لازم به ذکر است که طبق آمار، درصد افرادی که زیر ۱۴ سالگی ازدواج می‌کنند نسبت به دختر ۴/۹ تا ۵/۶ درصد است. در گروه سنی ۱۴-۱۰ سال، ۳۹ هزار و ۴۵ مورد و در گروه سنی زیر ده سال، ۲۳/۳ مورد بوده است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، «گزارش ازدواج در سنین پایین»، دفتر مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۷، صص ۸-۷)

طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، فاصله سنی میان زوجین در ازدواج‌هایی که زوجه ۱۴ سال و یا کمتر از این سن را داشته است ۱۰ سال بوده است. در نتیجه با توجه به درصد پایین ازدواج افراد زیر ۱۵ سال نسبت به سایر رده‌های سنی، منجر به این نتیجه می‌شود که مسلماً سهم این افراد در افزایش طلاق بسیار کم

مرادی و دیگران، «بررسی اثربخشی الگوی یکپارچه مشاوره پیشگیری از طلاق بر کیفیت زندگی و انصراف از طلاق زوج‌های در آستانه طلاق»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، سال دوم، ۱۳۹۱، شماره چهارم، ص ۵۰۲

در مشاوره بواسطه برنامه‌های مشاوره پیشگیری از تعارضات زناشویی و طلاق که شامل تغییر باورهای غیر منطقی و تحریف شده، آموزش کنترل خشم، اصول تبادل رفتار، مهارت مدیریت تعارض، ارتباط موثر و... است به حل مشکلات زوجین اقدام کرد و مانع طلاق شد (امید مرادی و دیگران، «بررسی اثربخشی الگوی یکپارچه مشاوره پیشگیری از طلاق بر کیفیت زندگی و انصراف از طلاق زوج‌های در آستانه طلاق»، فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی، سال دوم، ۱۳۹۱، شماره چهارم، ص ۵۰۲)

نتیجه

حاصل آن که اصل دهم قانون اساسی با اشاره به ویژگی قوانینی که در رابطه با خانواده وضع می‌شوند شاخصه-هایی را ارائه می‌دهد که با توجه به این شاخص‌ها می‌توان قوانین مصوب مربوط به خانواده را سنجید. تسهیل تشکیل خانواده، حفظ قداست خانواده و استواری روابط آن بر پایه حقوق و اخلاق اسلامی شاخص‌های ارائه شده هستند.

با توجه به این شاخص‌ها می‌توان به این مطلب پی برد که وضع و اصلاح برخی از قوانین مطابق اصل دهم قانون اساسی در راستای استحکام خانواده قرار داشتند. همچون تشکیل دادگاه خانواده، مراکز مشاوره و اصلاح ماده مربوط به نفقه، از این جهت که شمول نفقه بنابر ظاهر ماده قبل از اصلاح، صرف توجه به حفظ خانواده بوده و نسبت به جنبه عواطف و اخلاقی خانواده بدون توجه بوده است. در مقابل بسیاری از قوانین یا در جهت خلاف تسهیل تشکیل خانواده بوده‌اند و یا بدون توجه به پایه روابط عاطفی خانواده بنا نهاده شده است. همچون اصلاح مواد مربوط به حضانت و مهریه؛ از این جهت که تعریف حقوق زیاد، در مقابل، برابر است با تعریف تکلیف برای طرف دیگر، و همین امر مانعی برای روی آوردن افراد به سمت تشکیل خانواده خواهد بود. قرار دادن حضانت فرزند برعهده مادر، از این جهت که مانع ازدواج مادر می‌شود، در جهت خلاف تسهیل تشکیل خانواده قرار دارد. برخی مواد همچون تعیین حقوق وظیفه و مستمری صرفاً در راستای حمایت از زنان هستند.

فهرست منابع

الف) منابع فارسی

• قرآن کریم

۱. امامی، اسدالله، صفایی، حسن، مختصر حقوق خانواده، چاپ ۲۱، تهران: میزان، ۱۳۸۸
۲. شبیری زنجانی، موسی، نکاح (زنجانی)، ۲۵ جلد، چاپ اول، قم: مؤسسه پژوهشی رای پرداز، ۱۴۱۹ هـ ق
۳. کعبی، عباس، تحلیل مبانی نظام جمهوری اسلامی ایران تحلیل مبانی اصل دهم قانون اساسی، دفتر مطالعات نظام سازی اسلامی، تهران، ۱۳۹۵
۴. _____، _____، بررسی فقهی حقوق خانواده نکاح و انحلال آن (مواد ۱۰۳۴ تا ۱۱۵۷ قانون مدنی)، چاپ شانزدهم، تهران: علوم انسانی، پاییز ۱۳۸۶
۵. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار مرتضی مطهری، ج ۲۱، چاپ هفتم، تهران: صدرا، ۱۳۸۴
۶. _____، مجموعه آثار استاد شهید مطهری (تعلیم و تربیت در اسلام)، ج ۲۲، چاپ چهارم، قم: صدرا، ۱۳۸۴
۷. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، ج ۱۴، چاپ دهم، تهران: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ هـ.ش
۸. نائینی، احمد رضا، مشروح مذاکرات قانون مدنی، چاپ اول، تهران: مرکز پژوهشهای شورای اسلامی، بهار ۱۳۸۶

ب) منابع عربی

۹. ابو جعفر محمد بن حسنطوسی، الخلاف، ج ۶، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ هـ ق
۱۰. حسینی روحانی قمی، صادق، منهاج الصالحین (للروحانی)، جلد ۳، چاپ اول، قم: منشورات قلم الشرق، سال ۱۴۲۶ هـ ق
۱۱. حسینی شیرازی، صادق، التعليقات علی شرائع الإسلام، جلد ۲، چاپ ششم، قم: انتشارات استقلال، ۱۴۲۵ هـ ق

۱۲. دیلمی سلار، حمزه بن عبد العزیز، المراسم العلویة و الأحکام النبویة، چاپ اول، قم: منشورات الحرمین، ۱۴۰۴ هـ ق
۱۳. محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، ج ۳۱، چاپ هفتم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۳۶۲ هـ.ش

پ) مقالات علمی پژوهشی

۱. السان، مصطفی، نجفی زاده، لیلا، «بررسی موردی مقررات قانون حمایت از خانواده بر مبنای اصول و قواعد آئین دادرسی مدنی»، فصلنامه تحقیقات حقوقی، ۹۷/۲/۱۸، شماره ۸۳
۲. افتخارزاده، زهرا، «تجربه زیسته زنان در ازدواج زود هنگام»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۴، شماره ۳
۳. اسداللهی، محمد رضا، «ماهیت نفقه زن در اسلام»، همایش زن در نظام حقوق اسلامی، ۱۳۸۶، دوره ۱
۴. امیر حسینی، امین، محمد حسن، صادقی مقدم، «نفقه و نیازهای درمانی زوجه»، زن در فرهنگ و هنر، ۱۳۹۴، شماره ۳
۵. اسمعیلی، معصومه، مرادی، امید، و دیگران، «بررسی اثربخشی الگوی یکپارچه مشاوره پیشگیری از طلاق بر کیفیت زندگی و انصراف از طلاق زوج‌های در آستانه طلاق»، فصلنامه مشاوره و روان درمانی، شماره چهارم، زمستان ۱۳۹۱
۶. حاجی ده آبادی، احمد، مقررات کیفری لایحه حمایت از خانواده در بوته‌ی نقد، مطالعات راهبردی زنان، سال دوازدهم، شماره ۴۸، ۱۳۸۹
۷. دیندار، الهام، مهدوی، محمدصادق، سیدمیرزایی، محمد، «بررسی رابطه بین مهارت‌ها زندگی و طلاق عاطفی»، فصلنامه علمی - پژوهشی زن و جامعه، ۱۳۹۷، شماره چهارم
۸. عباسی فرد، محمدرضا، آهنگری، بهزاد، و دیگران، «تحولات و نوآوری‌های قانون حمایت خانواده مصوب ۱۳۹۱ درمورد مهریه»، مبانی فقهی - حقوق اسلامی، ۱۳۹۵، شماره هجدهم
۹. غیاثلو، احمد، عرب خراسانی، سمیه، «تجربه مادرانه زنان مطلقه از حضانت فرزندان خود (مطالعه پدیدار شناسی)»، ۱۳۹۴، مطالعات جنسیت و خانواده، ۱۳۹۳، شماره دوم

۱۰. فرزین راد، رویا، «بررسی فقهی و حقوقی نفقه زوجه و پیامدهای فردی و اجتماعی ترک انفاق بر امنیت جامعه»، فصلنامه دانش انتظامی، ۱۳۹۷، شماره دوم
۱۱. فولادی، محمود، «تحلیل جامعه شناختی افزایش سن ازدواج؛ با تأکید بر عوامل فرهنگی»، معرفت فرهنگ اجتماعی، ۱۳۹۳، شماره چهارم
۱۲. هدایت‌نیا، فرج الله، «نقد حاکمیت در دعاوی خانوادگی از مقررات تا اجراء»، فصلنامه کتاب زنان، ۱۳۸۹، شماره ۲۷
۱۳. هدایت‌نیا، فرج الله، «تسهیل طلاق یا طلاق زدایی در حقوق ایران، حقوق اسلامی»، فصلنامه حقوق اسلامی، سال دوازدهم، ۱۳۹۴، شماره ۴۷

• علمی-ترویجی

۱. ابن تراب، مریم، «مبانی فقهی نفقه و هزینه دارو و درمان»، دو فصلنامه علمی-ترویجی فقه و حقوق خانواده، تابستان ۱۳۸۷، شماره ۴۸
۲. ریحانی، فروغ، خیاطان، فلور، «اثربخشی آموزش مهارت‌های جنسی بر طرح‌واره‌های جنسی زنان، عزت نفس جنسی و رضایت جنسی زنان مراجعه کننده به مراکز مشاوره شهر اصفهان»، مجله دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه، دوره شانزدهم، اردیبهشت ۹۷، شماره دوم
۳. غیاثی ثانی، اعظم، موسوی بجنوردی، محمد، «سن ازدواج دختر در مبانی حقوقی اسلامی»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷، شماره ۴۸

• مجله

۱. امیر محمدی، محمد رضا، «اسباب و فلسفه ایجاد مهریه در فقه و قانون مدنی ایران»، مجله پژوهشهای اسلامی، سال دوم، شماره سوم، پاییز ۱۳۸۷
۲. ناستی زائی، ناصر، «موانع ازدواج دختر»، مجله علوم تربیتی و ویرانشناسی، ۱۳۸۵
۳. هدایت‌نیا، فرج الله، «ارزیابی قوانین خانواده»، مجله کتابزنان، شماره ۲۵، ۱۳۸۸